

راهبردهای پیشگیرانه و واکنش مدار در مقابله با جرایم سازمان یافته مالی ناشی از تحریم های اقتصادی بین المللی در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

محمدجواد دهقانی فیروزآبادی^۱

علیرضا محمدبیک^۲

حیدرعلی جهانبخشی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۷/۵

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی راهبردهای پیشگیرانه و واکنش مدار در مقابله با جرایم سازمان یافته مالی ناشی از تحریم های اقتصادی بین المللی در ایران انجام شده است. نتایج نشان می دهد تحریم ها موجب گسترش اقتصاد غیررسمی، تنوع و پیچیدگی جرایم مالی و تضعیف شفافیت و نظارت شده اند. راهکارهای پیشگیرانه، شامل تقویت سرمایه اجتماعی، دیجیتال سازی فرایندهای مالی و بهره گیری از فناوری های نوین مانند فین تک و هوش مصنوعی، نقش مهمی در کاهش انگیزه و فرصت وقوع جرم دارند. همزمان، راهبردهای واکنش مدار با تمرکز بر روزآمدسازی قوانین، همکاری نهادهای ذی صلاح و توسعه همکاری های فراملی می تواند کارآمدی مقابله با این جرایم را افزایش دهد. تلفیق راهبردهای بومی و بین المللی، تعامل چندبخشی و ارتقای شفافیت، شرط موفقیت در بازگرداندن سلامت به نظام مالی ایران است.

کلیدواژه ها: تحریم اقتصادی، جرایم مالی سازمان یافته، راهبرد پیشگیرانه، راهبرد واکنش مدار

طبقه بندی JEL : A20, A23, A30

^۱ گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران
mohammadjavad.dehghanifirozabadi@iau.ir

^۲ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Ali.mohammadbeyki@iauctb.ac.ir

^۳ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
jahanbakhshi@iau.ac.ir

مقدمه

در دو دهه اخیر، تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد و نظام مالی ایران را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته و اثرات ژرف آن، محدود به عرصه‌های اقتصادی نبوده است؛ بلکه به شکل‌گیری و گسترش جرایم سازمان‌یافته مالی نیز انجامیده است. در این شرایط، سازمان‌های مجرمانه با بهره‌گیری از روزه‌ها و ضعف‌های نهادی، به توسعه فعالیت‌هایی نظیر پول‌شویی، قاچاق ارز، فساد مالی و معاملات پنهان پرداخته‌اند. تحریم‌ها نه تنها بستر ظهور جرایم مالی جدید را فراهم آورده، بلکه این شبکه‌ها را حرفه‌ای‌تر و ساخت‌یافته‌تر نموده‌اند.

محدودیت دسترسی به نظام رسمی و بین‌المللی مالی، زمینه رشد سامانه‌های غیررسمی انتقال ارزش مانند حواله‌جات سنتی، صرافی‌های غیراجاز و رمزارزها را تقویت کرده است؛ به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از نقل‌وانتقالات مالی و حتی برخی مبادلات تجاری، از طریق مجاری غیررسمی و خارج از نظارت نهادهای ذی‌ربط انجام می‌شود. این وضعیت بر کارایی ابزارهای مرسوم پیشگیری و مقابله با جرایم مالی اثر منفی داشته و به پیچیدگی و رشد اقتصاد پنهان دامن زده است.

در این بستر، بازنگری و ارزیابی راهبردهای پیشگیرانه و واکنش‌مدار، ضرورتی انکارناپذیر یافته است؛ چرا که سیاست‌ها و ابزارهای سنتی دیگر پاسخگوی روندهای نوین جرایم سازمان‌یافته مالی نیستند یا کارآمدی آن‌ها به شدت کاهش یافته است. راهبردهای مؤثر باید علاوه بر بعد کیفی، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی مقابله با این جرایم را نیز پوشش داده و بستر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم را فراهم نماید. همچنین، بهره‌گیری از رویکردهای نوین واکنش‌مدار، اصلاح ساختارهای تقنینی و اجرایی، و افزایش همکاری‌های نهادی و بین‌المللی برای مهار این روند ضروری است.

با وجود این ضرورت‌ها، نظام حقوقی و سیاست‌گذاری ایران همچنان با چالش‌هایی از جمله خلأهای تقنینی، ناکارآمدی ابزارهای کشف و مقابله، ضعف شفافیت مالی و عدم یکپارچگی نهادی روبه‌روست؛ مسائلی که موجب شده مقابله با جرایم مالی سازمان‌یافته در شرایط تحریم با محدودیت‌ها و ناکارآمدی جدی مواجه شود. در عین حال، تجارب برخی کشورها نشان می‌دهد استفاده تلفیقی از آموزه‌های بین‌المللی و سیاست‌گذاری بومی می‌تواند کارایی این نظام را بهبود بخشد.

بر این اساس، پرسش بنیادین پژوهش حاضر آن است که راهبردهای پیشگیرانه و واکنش‌مدار کارآمد جهت مقابله با جرایم مالی سازمان‌یافته ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی در ایران چیست و این راهبردها با چه موانع و آسیب‌هایی مواجه‌اند؟ هدف اصلی این مقاله، شناسایی، تحلیل انتقادی و ارزیابی راهبردهای پیشگیرانه و واکنش‌مدار، بررسی وضعیت موجود و ارائه پیشنهادها و اصلاحی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعه اسنادی و تطبیقی انجام شده و یافته‌ها با تمرکز بر ارائه راهکارهای عملیاتی و سیاستی، ارائه می‌شود.

۱- تعاریف

۱-۲- جرایم سازمان یافته مالی

جرایم سازمان یافته مالی به مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه اطلاق می‌شود که با هدف کسب منافع مادی نامشروع، توسط گروه‌ها یا شبکه‌هایی با ساختار منسجم، سلسله‌مراتب نسبی و برنامه‌ریزی مشخص ارتکاب می‌یابد^۱ (لوپس ۲۰۱۲؛ آلبانیس ۲۰۱۵). ویژگی بارز این جرایم، بهره‌برداری هدفمند و سازمان یافته از ضعف‌های نهادی، خلأهای قانونی و شکنندگی بسترهای نظارتی در نظام‌های مالی داخلی و بین‌المللی است^۲ (فن دوین ۲۰۰۳). در نتیجه، این جرایم نه تنها ابعاد ملی دارند، بلکه با گسترش شبکه انتقال ارزش، آثار فراملی و پیچیده‌ای بر ثبات اقتصادی و مالی کشورها ایجاد می‌کند^۳ (آندا، ۲۰۲۳).

مطابق ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی (پالرمو، ۲۰۰۰)، هر گروه با ساختار نسبی متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای مدت معین و با قصد ارتکاب یک یا چند جرم شدید به منظور کسب منفعت مالی یا مادی دیگر به همکاری می‌پردازد، مصداق سازمان جنایتکار و جرم سازمان یافته خواهد بود (آندا، ۲۰۰۰)^۴ در حوزه مالی، این گروه‌ها با تخصیص نقش‌های تخصصی و سازمان یافتگی عملیاتی، به فعالیت‌هایی مانند پول‌شویی شبکه‌ای، قاچاق ارز و طلا، فرار مالیاتی ساختارمند، دستکاری بازار مالی، سوءاستفاده از سیستم‌های نظارتی و تسهیل جریان وجوه غیرقانونی دست می‌زنند^۵ (لوی ۲۰۱۲، نیلور ۲۰۰۳).

در نظام حقوقی ایران نیز، جرایم سازمان یافته مالی به اقداماتی اطلاق می‌شود که با مشارکت هدفمند چند فرد در قالب شبکه‌ای دارای ساختار، سلسله‌مراتب و تخصیص نقش، برای تحصیل منافع اقتصادی یا مشروعیت‌بخشی به دارایی‌های ناشی از جرم ارتکاب می‌یابد (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۴۴۰). این جرایم بازتاب‌دهنده تحولات جرم‌انگاری نوین در قلمرو حقوق کیفری اقتصادی ایران هستند و عموماً ماهیتی جمعی، استمراردار و گاه فراملی دارند. مصادیق بارز این جرایم را می‌توان در پول‌شویی سازمان یافته، قاچاق گسترده ارز و کالا، فرار مالیاتی گروهی، فساد و اختلاس شبکه‌ای و کلاهبرداری مالی گسترده ملاحظه کرد.

1 Levi, Albanese

2 van Duyn

3 UNODC

4 UNODC, 2000

5 Levi, Naylor

در مجموع، جرایم سازمان‌یافته مالی به‌عنوان پیچیده‌ترین نوع جرایم اقتصادی، نمایانگر چالش‌های جدید نظام‌های حقوقی معاصر بوده و مقابله مؤثر با آنها مستلزم راهبردهای واکنش‌مدار و پیشگیرانه چندبخشی است.

بناء، پورحیدری و خدای‌پور (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر سوء رفتارهای مالی در بانکهای ایران» به شناسایی عوامل مؤثر بر تخلفات و سوءرفتارهای مالی در نظام بانکی کشور پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش که با روش آمیخته (کیفی و کمی) و با مشارکت ۳۲ نفر از خبرگان حوزه پولی و مالی و تحلیل داده‌های ۱۹ بانک طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ انجام شده، نشان می‌دهد که سه دسته عوامل اصلی بر سوء رفتارهای مالی تأثیر معنادار دارند: ویژگی‌های عملیاتی (شامل اندازه بانک، تعداد کارکنان، سودآوری و رشد دارایی‌ها)، ویژگی‌های راهبری شرکتی (شامل مالکیت دولتی، استقلال اعضای هیأت مدیره، دوره تصدی مدیرعامل و تخصص مالی اعضا) و عوامل رفتاری مدیرعامل (شامل خوش‌بینی و خودشیفتگی مدیرعامل) (بناء، پورحیدری و خدای‌پور، ۱۴۰۲). این پژوهش نشان می‌دهد که سوءرفتارهای مالی در نظام بانکی ایران صرفاً ناشی از ساختارهای عملیاتی نیست، بلکه عوامل راهبری و رفتاری نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در وقوع تخلفات مالی دارند که در شرایط تحریم‌های اقتصادی و افزایش فشار بر نظام بانکی، از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شود. (بناء، پورحیدری و خدای‌پور، ۱۴۰۲)

۲-۲- راهبردهای پیشگیرانه^۱

راهبردهای پیشگیرانه به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات هدفمند اطلاق می‌شود که با هدف ممانعت از تحقق جرم و کاهش بسترها و فرصت‌های ارتکاب رفتارهای مجرمانه، پیش از وقوع فعل مجرمانه طراحی و اجرا می‌گردد. این دسته از راهبردها، بر ایجاد موانع ساختاری، ارتقای آگاهی عمومی، تقویت نظارت نهادی و اصلاح زیرساخت‌های حقوقی و اجتماعی برای کاهش انگیزه و امکان ارتکاب جرم متمرکز هستند. پیشگیری از جرم، به‌عنوان سنگ‌بنای سیاست جنایی اثربخش شناخته می‌شود؛ زیرا اتخاذ رویکرد پیش‌دستانه، از نظر هزینه، دامنه اثرگذاری و پایداری نتایج، به‌مراتب کارآمدتر از واکنش کیفری پس از وقوع جرم تلقی می‌گردد^۲ (گارلند، ۱۹۹۶)

1 Preventive Strategies

2 Garland

۳- انواع پیشگیری رویکردها

۳-۱- پیشگیری کنش‌مدار^۱

پیشگیری کنش‌مدار یا اجتماعی از جمله رویکردهای کلاسیک اما بنیادین در سیاست‌های پیشگیرانه به شمار می‌آید. این رویکرد، با تأکید بر اصلاح رفتار، نگرش و انگیزه‌های افراد، به دنبال تضعیف ریشه‌های اجتماعی و فردی تمایل به ارتکاب جرم است. بر مبنای این رویکرد، جرم نه امری صرفاً فردی، بلکه برآیند تعاملات اجتماعی، فرآیندهای یادگیری جمعی، فشارهای ساختاری و خلأهای موجود در کنترل اجتماعی غیررسمی محسوب می‌شود (گارلند، ۱۹۹۶).

یکی از نظریه‌های محوری در تبیین بستر اجتماعی وقوع جرم، نظریه یادگیری اجتماعی ساترلند است که بیان می‌دارد رفتار مجرمانه عمدتاً از طریق تعامل مستمر و تماس نزدیک با افرادی که نگرش‌ها و ارزش‌های مجرمانه دارند، فراگرفته می‌شود^۲ (سوترلند، ۱۹۴۷). نظریه پیوند افتراقی نیز در همین راستا مطرح می‌کند که شدت و میزان تماس با این ارزش‌ها، عامل اصلی در شکل‌گیری رفتار مجرمانه است. افزون بر این، نظریه فشار مرتون و همکاران، نقش تعیین‌کننده محرومیت نسبی و فشارهای اقتصادی-اجتماعی در افزایش تمایل به ارتکاب جرایم را آشکار می‌سازد؛ پدیده‌ای که در بستر چالش‌هایی چون تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی در کشورهایی مانند ایران نمود عینی یافته است (رفیعی، ۱۳۹۶).

در حوزه جرایم سازمان‌یافته مالی، اتخاذ راهبردهای اجتماعی همچون ارتقای آموزش همگانی، ترویج سواد مالی و اقتصادی، نهادینه‌سازی شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی، تقویت سرمایه و اعتماد اجتماعی، و اجرای برنامه‌های حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر از اهمیت دوچندان برخوردار است^۳ (آنداک، ۲۰۲۰). ابزارهایی نظیر آموزش رسانه‌ای، گسترش نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، استقرار سامانه‌های هوشمند هشدار مردمی و اجرای کمپین‌های ملی مقابله با پول‌شویی و قاچاق ارز در این میان نقش کلیدی دارند. در تجربه داخلی نیز پروژه‌هایی مانند طرح ارتقای سواد اقتصادی به ابتکار بانک مرکزی و برنامه‌های آموزش عمومی قوه قضاییه نمونه‌های ملموسی از عملیاتی‌سازی این رویکرد محسوب می‌شوند.

با وجود مزایای این رهیافت، نقدهای اساسی بر آن وارد است. به‌ویژه، رویکرد اجتماعی غالباً بازده زمانی طولانی و هزینه اجرایی بالایی دارد، و سنجش اثربخشی آن با دشواری‌های روش‌شناختی روبه‌روست که وابستگی زیادی به سطح همکاری جامعه و مشارکت فعال نهادهای مدنی دارد.

1 Social/Act-Oriented Prevention

2 Sutherland

3 Andak

همچنین، گاه ریشه‌های ساختاری جرم و ابعاد ژرف نابرابری اقتصادی و اجتماعی به‌درستی مدنظر قرار نمی‌گیرد.

۲-۳- پیشگیری موقعیت‌مدار^۱

پیشگیری موقعیت‌مدار، رویکردی است مبتنی بر نظریات موقعیتی و اقتصاد جرم که به جای تمرکز صرف بر انگیزه‌های فردی مرتکبان، بر فرصت‌های ارتکاب جرم و مدیریت مؤثر ریسک‌های محیطی تاکید دارد. بنیان نظری این رویکرد را باید در نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلیسون (۱۹۷۹) و نظریه انتخاب عقلانی کلارک و کورنیش جست‌وجو کرد. طبق این نظریات، وقوع جرم نتیجه هم‌زمانی سه مؤلفه اصلی است: وجود مجرم با انگیزه، حضور هدف مناسب و فقدان موانع محافظتی یا نظارتی کارآمد^۲ (کوهن و فلیسون ۱۹۷۹) بر این اساس، فرض بنیادی پیشگیری موقعیت‌مدار آن است که با تغییر وضعیت‌های محیطی، می‌توان احتمال وقوع جرم را کاهش داد، حتی اگر انگیزه ارتکاب جرم پابرجا بماند^۳ (کلارک، ۱۹۹۵).

در عمل، راهبردهای اصلی پیشگیری موقعیت‌مدار شامل کاهش فرصت‌های ارتکاب، دشوارسازی تحقق رفتار مجرمانه، و افزایش هزینه‌ها و ریسک‌های مربوط به جرم است. در زمینه جرایم مالی، این رویکرد از رهگذر ابزارهایی همچون پیاده‌سازی سامانه‌های شفافیت مالی، بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند برای نظارت و ردیابی معاملات، اجرای سازوکارهای احراز هویت دقیق مشتریان (KYC)، کنترل مبادلات غیررسمی، و پایش تراکنش‌های مرتبط با رمزارزها تحقق می‌یابد به علاوه، اتخاذ سیاست‌هایی مانند مقررات سختگیرانه برای صرافی‌ها و نهادهای پرداخت، توسعه سامانه‌های شناسایی تراکنش‌های مشکوک مبتنی بر داده‌کاوی، و تشویق گزارش‌دهی شهروندان نسبت به فعالیت‌های مشکوک، بخش جدایی‌ناپذیر این راهبرد تلقی می‌شود^۴ (اف ای تی اف، ۲۰۲۳).

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که اصلاح ساختارهای حقوقی و مالی با محوریت پیشگیری موقعیت‌مدار در کشورهایی چون انگلستان، استرالیا و مالزی، تأثیر بسزایی در کاهش جرایم مالی سازمان‌یافته داشته است^۵ (لوی، ۲۰۲۳) در ایران نیز، اجرای الزام‌های احراز هویت دیجیتال در بانک‌ها و صرافی‌ها، راه‌اندازی سامانه‌های مانیتورینگ معاملات بانکی، و اعمال محدودیت‌های پرداخت برای

1 Situational/Opportunity-Oriented Prevention

2 Cohen & Felson

3 Clarke

4 FATF

5 Levi

تراکنش‌های ناشناس از جمله گام‌های مهم در جهت عملیاتی‌سازی پیشگیری موقعیت‌مدار محسوب می‌شود.

با وجود این، انتقادهای قابل توجهی به این رویکرد وارد است. تمرکز صرف بر راهکارهای فناورانه و محیطی نه تنها احتمال جابه‌جایی جرم به موقعیت‌ها و عرصه‌های جدید را افزایش می‌دهد، بلکه در صورت بی‌توجهی به ریشه‌های اجتماعی و ساختاری پدیده جرم، اثربخشی و دوام بلندمدت آن قابل تضمین نخواهد بود (عبدالرحمان، ۱۴۰۱).

۳-۳- پیشگیری واکنش‌مدار^۱

پیشگیری واکنش‌مدار، مستند به مبانی نظری بازدارندگی کلاسیک بکاریا و بنتام و نیز نظریه کنترل اجتماعی رسمی هیرشی و پارکر، بر ضرورت واکنش سریع، مؤثر و قاطع نظام قضایی و دستگاه‌های انتظامی در مواجهه با وقوع جرم تأکید دارد. هدف اصلی این رویکرد، تضمین کشف به‌موقع جرایم، اعمال مجازات‌های متناسب، افزایش قابلیت پیش‌بینی پیامدهای مجرمانه و واکنش قاطع در برابر سازمان‌ها و شبکه‌های مجرمانه است. همچنین توقیف سریع اموال و منافع نامشروع و برخورد هدفمند با باندهای جرایم سازمان‌یافته، از الزامات عملی این رهیافت شمرده می‌شود^۲ (الکساندر، ۲۰۲۱).

کارآمدی، یکپارچگی و عدالت‌محوری نظام دادرسی کیفری از عناصر کلیدی اثربخشی این نوع پیشگیری به شمار می‌آید؛ به عبارت دیگر، تحقق بازدارندگی واقعی، مستلزم تضمین اجرای بدون تبعیض و عادلانه قوانین، افزایش شفافیت فرآیندهای قضایی و تقویت اعتماد عمومی به قوه قضاییه است^۳ (پاکر، ۱۹۶۷).

در حوزه جرایم مالی سازمان‌یافته، به‌ویژه موارد ناظر بر دور زدن تحریم‌های اقتصادی، قانون‌گذاری ویژه، تشکیل دادگاه‌های تخصصی اقتصادی، هماهنگی میان قوه قضاییه، پلیس بین‌الملل (اینترپل) و واحدهای اطلاعات مالی (FIU) و رسیدگی سریع و قاطع به پرونده‌های پول‌شویی و فساد اقتصادی، مصادیق عینی این رویکرد در ایران هستند. در سطح بین‌المللی نیز، تصویب و اجرای قوانین جامعی مانند PATRIOT Act در ایالات متحده (۲۰۰۱) و Proceeds of Crime Act در انگلستان (۲۰۰۲) عملکرد قضایی واکنش‌مدار و بازدارنده را تقویت کرده است.

با این حال، چالش‌ها و محدودیت‌هایی جدی این رهیافت را تهدید می‌کند. تمرکز بیش از اندازه بر پاسخ کیفری، ممکن است به تضعیف اصول دادرسی منصفانه، خدشه به حقوق شهروندی (Due Process) کاهش مشروعیت و مشروعیت‌یابی دستگاه قضایی در افکار عمومی و حذف

1 Reactive/Control-Oriented Prevention

2 Alexander

3 Packer

رویکردهای پیشگیرانه عمیق‌تر که علت‌های ساختاری جرم را هدف قرار می‌دهند منجر گردد (اردبیلی، ۱۴۰۲). همچنین، در شرایط ضعف نهادی یا گسترش فساد سیستماتیک، اثربخشی تدابیر واکنش مدار به شدت کاهش می‌یابد.

۴- شناسایی کلی اثر تحریم‌ها بر ساختار و شیوع جرایم مالی

تحریم‌های اقتصادی، به‌ویژه در سطح گسترده و بین‌المللی، ساختار و کارکرد نظام مالی رسمی کشورها را به‌طور بنیادین دچار تحول می‌سازند. این تحریم‌ها با قطع یا محدود کردن دسترسی بانک‌ها و مؤسسات مالی به شبکه‌های جهانی، نه تنها ظرفیت شفافیت و نظارت مؤثر بر نقل و انتقالات مالی را تضعیف می‌کنند، بلکه عملاً عرصه را برای شکل‌گیری و گسترش شبکه‌های مالی غیررسمی و فعالیت‌های زیرزمینی آماده می‌سازند در چنین بسترهایی، قواعد حاکم بر شفافیت و انضباط مالی که زمانی بخش مهمی از نظام پیشگیری و مقابله محسوب می‌شد، جای خود را به رویه‌ها و سازوکارهای غیررسمی، پنهان و اغلب غیرقابل ردیابی می‌دهد؛ این تغییرات، زمینه رشد و تقویت اقتصاد سایه و افزایش حجم و پیچیدگی جرایم مالی سازمان‌یافته را فراهم می‌سازد.

در این شرایط، بسیاری از بازیگران اقتصادی برای تداوم فعالیت خود، به‌ناچار به سوی ابزارها و روش‌های غیررسمی از جمله استفاده از صرافی‌های غیرمجاز، حواله‌های سنتی و شبکه‌های مالی مبتنی بر رمزارزها حرکت می‌کنند؛ بسترهایی که به دلیل پایین بودن یا فقدان نظارت رسمی، به راحتی می‌توانند برای پولشویی، فرار مالیاتی، تأمین مالی قاچاق و گسترش فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته مورد سوءاستفاده قرار گیرند (بانک جهانی، ۲۰۲۲؛ جعفری، ۱۴۰۱). علاوه بر این، انقطاع ارتباطات مالی رسمی با جهان و کاهش همکاری‌های بین‌المللی، فرآیند ردگیری منابع مشکوک مالی، شناسایی عواید نامشروع و استرداد اموال حاصل از جرایم را با دشواری‌های جدی مواجه می‌سازد؛ امری که عملاً بستر گریزپذیری نظارتی و ظهور الگوهای جدید ارتکاب جرم را تقویت می‌کند.

نتیجه این تحولات ساختاری، نه تنها آشکار شدن گونه‌های نوین جرایم مالی مانند پولشویی سایبری، جابه‌جایی پیچیده وجوه، و استفاده سازمان‌یافته از فناوری‌های مالی است، بلکه سبب می‌شود مرز میان فعالیت قانونی و غیرقانونی به‌ویژه در حوزه تراکنش‌های ارزی و مالی، هرچه بیشتر مبهم و خاکستری گردد. مهم‌تر آن‌که، این فضا اغلب با افزایش فساد اداری، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و نوعی مشروعیت‌بخشی اجتماعی به فعالیت‌های غیررسمی همراه می‌شود که خود چرخه بازتولید جرایم مالی را تقویت و تداوم می‌بخشد (موسوی، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، فرصت‌های اقتصادی مجرمانه جدیدی در سایه محدودیت‌های رسمی ایجاد شده و سودآوری جرایم مالی، برای شبکه‌های

سازمان یافته افزایش می‌یابد؛ این وضعیت، کنترل و سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه پیشگیری و مقابله را بیش از پیش دشوار و پرهزینه می‌سازد.

در مجموع، تجربه کشورهای تحت تحریم نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی ضمن تغییر منطق عمل فعالان اقتصادی، موجب تضعیف راهبردهای رسمی پیشگیری و مبارزه با جرایم مالی، افزایش شیوع، تنوع و پیچیدگی این پدیده و نیز کاهش اثربخشی سیاست‌های نظارتی و قضایی می‌شود. به این ترتیب، گذار از اقتصاد رسمی به اقتصاد سایه و تشدید پنهان‌کاری و بی‌ثباتی در نظام مالی، برجسته‌ترین پیامد ساختاری تحریم‌ها در حوزه جرایم مالی سازمان یافته تلقی می‌شود (لوی، ۲۰۱۲؛ اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ جعفری، ۱۴۰۱).

۵- بررسی وضعیت تحریم‌های اقتصادی و اثر آن بر بروز جرایم سازمان یافته مالی در ایران

تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی که طی دهه‌های اخیر توسط ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، شورای امنیت سازمان ملل و نهادهایی نظیر گروه ویژه اقدام مالی (FATF) علیه جمهوری اسلامی ایران وضع گردیده‌اند، تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، نظام مالی و بافت اجتماعی کشور به جا گذاشته‌اند. دامنه این تحریم‌ها، بخش‌هایی کلیدی مانند انرژی، بانکداری، تجارت خارجی و حتی بیمه و حمل‌ونقل را هدف گرفته و به تدریج موجب اختلال در اکوسیستم اقتصادی، کاهش ناگهانی و پایدار درآمدهای ارزی، محدودیت ورود سرمایه خارجی و قطع یا اختلال در چرخه مبادلات بانکی و نقل و انتقالات بین‌المللی شده است. نتیجه مستقیم این تحولات، بروز نوسانات شدید نرخ ارز، تورم فزاینده، تضعیف اشتغال و کند شدن رشد اقتصادی بوده که این پیامدها خود، نظام مالی و اقتصادی کشور را آسیب‌پذیرتر ساخته است^۱ (لوی، ۲۰۱۲؛ اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ بانک جهانی، ۲۰۲۲).

در واکنش به این فشارهای نوظهور، مراودات رسمی مالی به تدریج جای خود را به کانال‌های غیررسمی، صرافی‌های غیرمجاز و شبکه‌های پوششی داده‌اند؛ فضایی که زمینه‌ساز گسترش اقتصاد غیررسمی و تسهیل وقوع و تشدید جرایم سازمان یافته مالی شده است. تحریم‌ها با محدود کردن دسترسی به منابع مالی بین‌المللی و کاهش سطح همکاری و تبادل داده با نهادهای نظارتی خارجی، ساختارهای شفافیت مالی و سازوکارهای نظارتی را تضعیف کرده‌اند، به‌طوری که امکان رصد کامل تراکنش‌های بزرگ بانکی و کنترل جریان‌های نقدی به‌شدت کاهش یافته است. در چنین فضایی، فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های مجازی انتقال ارز و رمزارزها تسریع یافته و این ابزارها، با ارائه پوشش فوق‌العاده در اختفای منشأ و مقصد وجوه، به مجرمان سازمان یافته امکان دور زدن آسان‌تر قوانین و مقررات رسمی را داده‌اند (اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ جعفری، ۱۴۰۱).

1 (Levi, FATF, World Bank,).

نمونه‌های عینی این فرآیند را می‌توان در شیوه‌های رایجی همچون بهره‌برداری از شرکت‌های صوری واردات و صادرات برای انتقال ارز، پولشویی از مسیر صرافی‌های غیرمجاز، قاچاق سازمان‌یافته ارز و طلا با حواله‌های غیررسمی و استفاده از شرکت‌های کاغذی به‌منظور فرار مالیاتی و فساد اداری مشاهده نمود؛ مصادیقی که در پرونده‌هایی چون بانک سرمایه، تخلفات شرکت‌های پتروشیمی و مفاسد سیستماتیک بازار سکه و ارز با وضوح بیشتری رخ نموده‌اند. این موارد تماماً نشانگر آن است که تحریم‌ها نه تنها شیوه‌های ارتکاب جرم را متنوع‌تر و پیچیده‌تر ساخته‌اند، بلکه امکان کشف، کنترل یا مقابله را برای نهادهای داخلی دشوارتر نموده‌اند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۲۱؛ موسوی، ۱۴۰۰).

یکی از پیامدهای آشکار این وضعیت، تضعیف ظرفیت بازدارندگی و همکاری نهادهای داخلی با مراجع بین‌المللی مبارزه با پولشویی و جرایم مالی است؛ چراکه علاوه بر کاهش سطح شفافیت و محدودیت دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی فرامرزی، همکاری‌های متقابل در رصد تراکنش‌های مظنون نیز با مانع مواجه شده است. افزون بر آن، نارسایی مقررات داخلی، بروکراسی پیچیده و ضعف ساماندهی نظام‌های کنترلی منجر شده است که جرایم نه تنها مخفیانه‌تر بلکه سازمان‌یافته‌تر و فناوری‌محورتر از گذشته رقم بخورند. شواهد تجربی و آماری (براساس گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز پژوهش‌های مجلس) افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی پرونده‌های عمده مالی طی سال‌های اخیر را تأیید می‌کند که بیانگر تشدید شبکه‌های غیرقانونی نقل و انتقال وجوه در سایه تحریم‌هاست.

این تصویر آشکار می‌سازد که تحریم‌های اقتصادی به‌مثابه یک متغیر بیرونی و سیستمی، ساختار اقتصاد کشور را به سمت گسترش اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی سوق داده‌اند و همین امر، شیوع و فراگیری جرایم سازمان‌یافته مالی را شدت بخشیده است. علاوه بر پیامدهای اقتصادی، این تحول ساختاری با کاهش اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی، افزایش فساد اداری و کاهش پاسخگویی نهادهای مسئول همراه است. پیچیدگی کاوش و مهار شبکه‌های مجرمانه، نه تنها به واسطه اختفای فرآیندهای تبادلات مالی بلکه به دلیل سرعت بالای نوآوری و سازگاری فعالان مجرمانه رخ داده و این خود تقاضا برای بازنگری‌های عمیق و سیستمی در رهیافت‌های پیشگیرانه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (الکساندر، ۲۰۲۱؛ دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱).

در این میان، تجربه و تحلیل مطالعات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که کاهش انگیزه و فرصت‌های ارتکاب جرم تنها زمانی کارآمد خواهد بود که اصلاحات ساختاری، تقویت زیرساخت‌های شفافیت مالی و یکپارچه‌سازی سامانه‌های نظارتی به موازات اقدامات آموزشی و اجتماعی صورت پذیرد. به‌ویژه تأکید بر پیشگیری اجتماعی در کنار اصلاحات اداری و حقوقی، کاهش آسیب‌های ناشی از تحریم را

1 United Nations Office on Drugs and Crime

ممکن ساخته و فضای کنترل و پاسخگویی را ارتقا می‌بخشد (اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ جعفری، ۱۴۰۱؛ الکساندر، ۲۰۲۱). در غیر این صورت، استمرار فضای اقتصادی غیررسمی نه تنها امکان ارتکاب جرایم را افزایش خواهد داد، بلکه فرآیند اعتمادسازی اجتماعی را نیز مخدوش می‌نماید. به طور خلاصه، آنچه به عنوان روند مسلط از تحلیل پیامدهای تحریم‌های اقتصادی بر ساختار و شیوع جرایم مالی سازمان یافته ایران حاصل می‌شود، تأکید بر ضرورت توجه به راهبردهای منعطف، شفافیت حداکثری، اصلاحات ساختاری و سیاست‌های اجتماعی است که همزمان به مدیریت آثار اقتصادی، کاهش مخاطرات اجتماعی و رفع زمینه‌های بروز جرایم مالی بپردازد؛ الگویی که تنها با هم‌افزایی ابزارهای فنی، حقوقی و اجتماعی می‌تواند بخشی از خلاءهای موجود را پر کند و با روند افزایشی جرایم سازمان یافته مالی مقابله نماید (لوی، ۲۰۱۲؛ اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ جعفری، ۱۴۰۱).

۶- راهبردهای پیشگیرانه در جرایم سازمان یافته مالی

۶-۱- پیشگیری اجتماعی مقابله با جرایم مالی سازمان یافته

پیشگیری اجتماعی از جرایم مالی سازمان یافته مبتنی بر رهیافتی جامعه‌محور است که ریشه در نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی و توسعه‌ای دارد^۱ (لب و یمپسون، ۱۹۹۳؛ سبحانی، ۱۳۹۹). در این رویکرد، تمرکز اصلی بر اصلاح بسترهای اجتماعی و اقتصادی، کاهش زمینه‌ها و انگیزه‌های وقوع جرم، و پیشگیری از تشکیل و گسترش شبکه‌های مجرمانه، پیش از ورود نظام عدالت کیفری است^۲ (تانری و فرانگتون، ۱۹۹۵). فقر، بیکاری، و نابرابری اقتصادی از جمله عواملی هستند که ارتباط معناداری با شدت گیری جرایم مالی سازمان یافته دارند و مطالعات تطبیقی نیز مؤید اثرگذاری مستقیم این متغیرها بر شکل گیری باندهای مجرمانه است (مومنی، ۲۰۲۱).

از این منظر، توسعه سیاست‌های رفاهی، ارتقای پوشش بیمه‌ای، افزایش فرصت‌های شغلی، حمایت از کسب و کارهای کوچک، و بهبود دسترسی به منابع مالی قانونی و شفاف، از مؤثرترین راهبردهای کاهش انگیزه پیوستن به باندهای جرایم سازمان یافته مالی تلقی می‌شود (تانری و فرانگتون، ۱۹۹۵) (مومنی، ۱۴۰۰). تجربه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که تلفیق سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی با هدف کاهش حاشیه‌نشینی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی، می‌تواند به کاهش قابل توجه نرخ جرایم مالی منجر شود (UNODC، ۲۰۱۹).

1 Sampson & Laub

2 Tonry & Farrington

علاوه بر این، اقدامات فرهنگ‌سازانه و آموزش عمومی جایگاهی محوری در این فرآیند دارند. ارتقای سواد مالی آحاد جامعه، آموزش پیامدهای مخرب جرایم مالی و نقش شهروندان در تقویت امنیت اقتصادی، از طریق ابزارهایی چون برنامه‌های درسی، رسانه‌های جمعی و آموزش‌های تخصصی، می‌تواند نگرش عمومی نسبت به جرم و میزان تحمل اجتماعی نسبت به جرایم مالی را به‌طور معناداری کاهش دهد.^۱ (کریمی ۲۰۱۸، فرینگتون ۲۰۱۹) همچنین، شفاف‌سازی فرآیندهای گزارش‌دهی فساد و تبیین نقش مسئولیت‌پذیری فردی، بستر مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم مالی سازمان‌یافته را تقویت می‌کند. (فرینگتون ۲۰۱۸)

در مجموع، اثربخشی پیشگیری اجتماعی زمانی تضمین خواهد شد که سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای تلفیقی، همزمان مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را هدف قرار دهد. نتایج مطالعات ملی و بین‌المللی، از جمله پژوهش‌های سازمان ملل متحد، حکایت از آن دارد که تک‌بعدی‌نگری در این عرصه، چه از طریق صرفاً کاهش فقر و چه صرفاً ارتقای آگاهی، نمی‌تواند مهار پایدار جرایم سازمان‌یافته مالی را تضمین کند و موفقیت، مستلزم هم‌افزایی و تعامل چندسویه این راهبردهاست (سبحانی ۱۳۹۹)

۲-۶- پیشگیری موقعیت‌مدار مقابله با جرایم مالی سازمان‌یافته

پیشگیری موقعیت‌مدار، یکی از کارآمدترین رویکردها در کنترل جرایم مالی سازمان‌یافته محسوب می‌شود که بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق بهبود ساختارها و فرآیندهای اقتصادی و مالی تمرکز دارد.^۲ (کلارک و کورنیش، ۱۹۸۶) در این چارچوب، شفافیت نهادی و اقتصادی به‌عنوان رکن کلیدی پیشگیری شناخته می‌شود و اسناد بین‌المللی، از جمله توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، آن را عنصر بازدارنده مرکزی در مقابله با جرایم مالی دانسته‌اند. استقرار نظام‌های شفاف برای ثبت و اعلان کلیه تراکنش‌های مالی، اعم از بانکی و غیربانکی، موجب تسهیل ردیابی جریان وجوه و افزایش احتمال کشف رفتارهای غیرقانونی می‌شود. همچنین، دیجیتال‌سازی فرایندهای مالی و کاهش استفاده از مبادلات نقدی با هدف محدودسازی فضای مانور مرتکبان، کارآمدی این رویکرد را افزایش داده است. (جعفری، ۲۰۲۲)

در عین حال، تقویت ساختارهای نظارتی و رفع خلأهای نهادی از الزامات پیشگیری موقعیت‌مدار به شمار می‌رود. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که ضعف ارتباط و هماهنگی میان نهادهای دخیل — از جمله مراجع مالیاتی، بانک مرکزی و واحدهای ضدپولشویی — به سوءاستفاده سیستماتیک از

1 Karimi, Farrington

2 Cornish & Clarke

فضاهای نظارتی منجر می‌شود (موسوی ۲۰۲۱). استفاده از حسابرسان مستقل، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه و ارتقای کیفیت گزارش‌دهی و بازرسی، نه تنها سرعت کشف جرایم را افزایش می‌دهد بلکه اثربخشی اقدامات پیشگیرانه را تقویت می‌کند. به‌روزرسانی پیوسته قوانین و تطبیق آن‌ها با تحولات فناوریانه و بازارهای مالی نوظهور، شرط مکمل موفقیت در این حوزه است^۱ (آنداک، ۲۰۲۱). توسعه فناوری‌های مالی و ابزارهایی نظیر فین‌تک، رمزارز و هوش مصنوعی، تأثیری دوسویه بر کنترل یا حتی تسهیل جرایم مالی سازمان‌یافته دارد. از یک سو، فناوری مالی نوین با قابلیت تحلیل خودکار داده‌های بزرگ، ردیابی بلادرنگ تراکنش‌ها و ایجاد سامانه‌های هشدار معاملات مشکوک، امکان شناسایی و پیشگیری از رفتارهای مشکوک را فراهم ساخته است. (بانک جهانی، ۲۰۲۲) از سوی دیگر، در غیاب مقررات شفاف و نظارت کارآمد، همین فناوری‌ها می‌توانند به بسترهای پنهان‌سازی و انتقال غیرقانونی سرمایه، به‌ویژه در حوزه رمزارز، دامن بزنند (نوروزی، ۲۰۲۳). لذا، تلفیق هوشمندانه فناوری با سازوکارهای قانونی و نظارتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ارتقای امنیت اقتصاد و سلامت نظام مالی است.

در مجموع، اثربخشی پیشگیری موقعیت‌مدار در مقابله با جرایم مالی سازمان‌یافته زمانی حداکثر خواهد بود که شفافیت مالی، نظارت جامع، اصلاح مستمر قوانین و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین، به صورت یکپارچه و هم‌افزا در دستور کار نهادهای مسئول قرار گیرد (آنداک، ۲۰۲۱).

۳-۶- راهکارهای واکنش‌مدار مقابله با جرایم مالی سازمان‌یافته

راهبردهای واکنش‌مدار، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر و اساسی سیاست‌های عدالت کیفری، نقشی قانونی در مقابله با جرایم سازمان‌یافته مالی ایفا می‌کنند و اصولاً پس از کشف یا وقوع جرم فعال می‌شوند. این راهبردها با هدف اعمال ضمانت اجرای حقوقی، تحقق بازدارندگی ثانویه، حمایت از منافع عمومی و بازگرداندن شفافیت و سلامت به نظام اقتصادی کشورها طراحی می‌شوند (الکساندر، ۲۰۲۱؛ لوی، ۲۰۱۲). (ویژگی ممتاز واکنش‌مداری این است که برخلاف اقدامات صرفاً پیشگیرانه یا خنثی‌کننده، تمرکز خود را بر مواجهه قاطع و هوشمندانه با ساختارهای مجرمانه پس از تحقق جرم می‌گذارد، تا هم از تکرار جرم و گسترش شبکه‌های مالی غیرقانونی جلوگیری کند و هم فرآیندهای جبران خسارت و برقراری عدالت را به‌طور عملیاتی پیش ببرد^۲ (پاکر، ۱۹۶۸).

مهم‌ترین اجزای راهبرد واکنش‌مدار عبارت‌اند از:

1 UNODC

2 Packer

۱. اقدامات قضایی، اعم از تعقیب کیفری بزهکاران، صدور آرای متناسب، اجرای احکام و پیگیری بازبایی عواید حاصل از جرم،
 ۲. اقدامات انتظامی نظیر کشف سریع، مستندسازی و پیگیری تخصصی پرونده‌ها، استفاده از ظرفیت پلیس‌های تخصصی اقتصادی، و به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای کشف و رصد جرایم سازمان‌یافته (لوی، ۲۰۱۲)
 ۳. اقدامات اداری مانند توقیف فوری و مصادره اموال نامشروع، انسداد حساب‌های بانکی مشکوک، لغو مجوز فعالیت شرکت‌های پوششی، اعمال محدودیت‌های قانونی بر معاملاتی که منشأ آن‌ها شبهه‌برانگیز است، و تقویت فرایندهای نظارتی مالی و بانکی (اف ای تی اف، ۲۰۲۱)
- بعلاوه، یکی از محورهای مهم و رو به توسعه در راهبردهای واکنش مدار، بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی است. همکاری‌هایی نظیر استفاده از ظرفیت پلیس بین‌الملل (اینترپل)، عضویت در شبکه‌های مالی جهانی برای اشتراک داده‌ها (FIUs)، و فعال‌سازی سازوکارهای استرداد مجرمان و عایدات نامشروع از طریق توافقات دوجانبه و چندجانبه، دست نهادهای قضایی و انتظامی را برای پیگیری موثر جرایم سازمان‌یافته مالی، علی‌رغم پیچیدگی‌های مرزی و فراملی، توانمند ساخته است. (آنداک، ۲۰۲۱) این همکاری‌ها به‌ویژه در جرایم با ابعاد فراقلمرویی مانند پولشویی، تأمین مالی تروریسم و فرار کلان مالیاتی، اهمیت استراتژیک دارند.
- از نظر اثربخشی، اجرای موفق راهبردهای واکنش مدار، نه تنها زمینه بازگرداندن اعتماد عمومی به نظام اقتصادی را فراهم می‌آورد، بلکه موجب انسجام و هماهنگی میان ساختارهای عدالت کیفری می‌شود و با برجسته کردن پیام شفاف مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، سبب تقویت سیاست‌های پیشگیرانه نیز می‌شود. این مسئله، بازدارندگی را از سطح فردی به مقیاس ساختاری و اجتماعی ارتقا می‌دهد؛ چنانکه مشاهده می‌شود اجرای به‌موقع و هماهنگ مجازات‌ها، دادرسی‌های علنی و قاطع و استرداد وجوه نامشروع، شاخص‌های سلامت اقتصادی و شفافیت مالی را در بلندمدت بهبود می‌بخشد (الکساندر، ۲۰۲۱؛ اف ای تی اف، ۲۰۱۹)
- با این حال، کارآمدی و اثربخشی راهبردهای واکنش مدار زمانی به سطح مطلوب می‌رسد که عدالت فرآیندی، شفافیت تمامی مراحل، رعایت حقوق متهمان و مشارکت مؤثر میان نهادهای تخصصی داخلی و بازیگران فراملی تحقق یابد. این رویکرد، هم بزه‌دیدگان را قادر می‌سازد از جبران خسارت عادلانه برخوردار شوند و هم مانعی برای بازتولید الگوهای مجرمانه در ساختار اقتصاد ملی ایجاد می‌کند (آنداک، ۲۰۲۱)
- در نهایت، می‌توان گفت راهبردهای واکنش مدار، به واسطه تلفیق ابزارهای قضایی، انتظامی، اداری و بین‌المللی، ستون فقرات تحقق عدالت کیفری در حوزه جرایم سازمان‌یافته مالی به‌شمار می‌روند.

استمرار بهبود این راهبردها، نیازمند بازنگری مستمر در قوانین، استفاده فعال از فناوری‌های اطلاعاتی، آموزش تخصصی نیروها و تعمیق همکاری‌های داخلی و خارجی است؛ چرا که تنها در چنین بستری می‌توان امید داشت که نه‌تنها با مجرمان برخورد مؤثر و بازدارنده صورت گیرد، بلکه زمینه برای ارتقای سلامت اقتصادی و بازگرداندن اعتماد عمومی نیز فراهم گردد (لوی، ۲۰۱۲؛ آنداک، ۲۰۲۱؛ اف ای تی اف، ۲۰۱۹).

۷- تأثیر فناوری‌های نوین بر پیشگیری و مقابله با جرایم مالی

۷-۱- تأثیر فناوری فین‌تک بر پیشگیری و مقابله با جرایم مالی

ظهور فناوری‌های نوین مالی (FinTech) در دهه اخیر، تأثیرات قابل توجهی بر ساختار نظام مالی جهان گذاشته و مواجهه با جرایم مالی را دگرگون ساخته است. این فناوری‌ها که شامل سامانه‌های پرداخت هوشمند، کیف پول‌های دیجیتال، رمزارزها، پلتفرم‌های تسهیل پرداخت، قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین و حتی هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در تشخیص ناهنجاری‌های مالی هستند، هم فرصت‌های جدیدی برای ارتقای اثربخشی نظارت و پیشگیری از جرایم مالی ایجاد کرده‌اند و هم تهدیدها و چالش‌هایی جدید، به‌ویژه در حوزه مبارزه با پولشویی، کلاهبرداری سازمان‌یافته و تأمین مالی غیرقانونی به همراه آورده‌اند^۱ (اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ باربی و باکلی، ۲۰۱۷).

از منظر پیشگیری، ابزارهای FinTech نقش کلیدی در تقویت شفافیت، رصد فعالیت‌های مالی و مدیریت ریسک بازی می‌کنند. سامانه‌های مبتنی بر بلاکچین نظیر قراردادهای هوشمند و دفاتر کل توزیع‌شده با ایجاد امکان ثبت غیرقابل تغییر داده‌ها و رهگیری در لحظه تراکنش‌های مالی، فرایند کشف و ردیابی منابع و مسیرهای جابه‌جایی وجوه را تسهیل کرده‌اند (آنداک، ۲۰۲۱). افزون بر این، به‌کارگیری الگوریتم‌های هوشمند و هوش مصنوعی در سامانه‌های مبارزه با پولشویی (AML) و شناسایی مشتری (KYC)، توانایی نهادهای مالی برای شناسایی فعالیت‌های مشکوک یا غیرمعمول و پیش‌بینی الگوهای جدید جرم را به شکل چشمگیری افزایش داده است. (لوی، ۲۰۲۱) این فناوری‌ها همچنین برای بهبود یکپارچگی داده‌ها و تسهیل تحلیل برخط حجم بالایی از تراکنش‌ها به‌کار گرفته می‌شوند، به‌ویژه در بانک‌ها و بازارهای سرمایه.

با این وجود، فناوری‌های فین‌تک با گشودن مسیرهای جدید جابه‌جایی دارایی به‌ویژه از طریق رمزارزها و پلتفرم‌های نوین انتقال وجوه، بستری برای ارتکاب و تسهیل جرایم مالی جدید نیز پدید آورده‌اند؛ به نحوی که مجرمان سازمان‌یافته، با بهره‌گیری از فناوری‌های گمنام‌ساز، صرافی‌های غیرمتمرکز و ابزارهای مختلط‌کننده، امکان پنهان‌سازی منشأ و مقصد وجوه را یافته‌اند. در کنار این،

1 Barberis & Buckley

ضعف استانداردهای نظارتی و تفاوت‌های جدی در سیاست‌های رگولاتوری کشورها، موجب شکل‌گیری شکاف‌های نظارتی و افزایش ریسک فعالیت‌های مشکوک در بسترهای فین‌تک شده است.^۱ (اف ای تی اف ۲۰۲۳؛ زتسشه و همکاران، ۲۰۲۰) یکی از چالش‌های مهم نیز سرعت بالای نوآوری در این حوزه است که گاه کارآمدسازی مقررات نظارتی رسمی را با تأخیر مواجه می‌کند. با این حال، در رویکردهای نوین مقابله با جرایم مالی، تأکید فزاینده‌ای بر ادغام راهکارهای فناوری‌محور در سامانه‌های کنترلی سنتی مشاهده می‌شود. بسیاری از کشورها با ایجاد آزمایشگاه‌های رگولاتوری^۲ و توسعه همکاری بین دستگاه‌های نظارتی و شرکت‌های فین‌تک، در پی تدوین مقررات هوشمند، بهبود نظام‌های KYC و AML دیجیتال و ایجاد پایگاه داده‌های مشترک برای رهگیری فعالیت‌های پرریسک هستند.^۳ (آرنر و همکاران، ۲۰۱۷؛ جعفری، ۱۴۰۱) افزون بر این، همکاری‌های بین‌المللی در به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و توسعه استانداردهای جهانی برای نظارت بر دارایی‌های دیجیتال رو به افزایش است.

در جمع‌بندی، فناوری‌های نوین مالی ضمن آن‌که ابزارهای قدرتمند و انعطاف‌پذیری برای ارتقای رصد، پیشگیری و مقابله با جرایم مالی فراهم آورده‌اند، مستلزم بازاندیشی و به‌روزرسانی دائمی ابزارهای قانونی، نظارتی و نهادی هستند تا امکان بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های فین‌تک در خدمت سلامت و شفافیت نظام مالی و مقابله کارآمد با تطورات جرایم سازمان‌یافته مالی فراهم گردد (لوی، ۲۰۲۱؛ اف ای تی اف، ۲۰۲۳).

۲-۷- تأثیر فناوری رمزارز بر پیشگیری و مقابله با جرایم مالی

ظهور فناوری رمزارزها و زیرساخت‌های مبتنی بر بلاکچین، انقلابی بنیادین در فضای تبادل ارزش و خدمات مالی ایجاد کرده است. در یک سو، ویژگی‌های شفافیتی بلاکچین‌های عمومی مانند بیت‌کوین و اتریوم، امکان رهگیری و رصد تقریباً تمامی تراکنش‌ها توسط نهادهای نظارتی و مجریان قانون را فراهم آورده و ابزارهای نوینی برای کشف مسیرهای جابه‌جایی دارایی در پرونده‌های پولشویی، کلاهبرداری مالی و تأمین مالی غیرقانونی عرضه کرده‌اند. تحلیل‌گران با بهره‌گیری از فناوری‌هایی چون تحلیل تراکنش، داده‌کاوی زنجیره، و شناسایی الگوهای رفتاری مالی، قادرند ارتباط میان آدرس‌ها و تشخیص خوشه‌ای فعالیت‌های شبکه‌های مجرمانه را شناسایی کنند.

1 Zetsche

2 Regulatory Sandbox

3 Arner

این قابلیت‌ها موجب افزایش اثربخشی اقدامات پیشگیرانه و واکنش‌مدار شده است؛ چنانکه برخی نظام‌های مالی پیشرفته با توسعه ابزارهای نظارت بر زنجیره‌های تراکنش و سامانه‌های شناسایی مشتری مبتنی بر داده‌های بلاکچین، امکان کشف سریع‌تر فعالیت‌های مشکوک، توقیف دارایی‌های دیجیتال و مسدودسازی حساب‌های مجرمانه را فراهم آورده‌اند (اف ای تی اف، ۲۰۲۳) حتی برخی کشورها، با وضع مقررات خاص بر صرافی‌های رمزارز و الزام آن‌ها به احراز هویت دقیق مشتریان (KYC)، ریسک استفاده مجرمانه از این فناوری را به شکل معناداری کاهش داده‌اند.

با این وجود، فناوری رمزارز تهدیدهای نوپدیدی نیز پدید آورده است:

ویژگی گمنام‌ساز برخی رمزارزها (مانند مونرو یا زی‌کش) و استفاده از ابزارهایی نظیر میکسرها و تورنادوکش، ردیابی منشأ و مقصد وجوه را با پیچیدگی فنی روبه‌رو ساخته و مسیرهای جدیدی برای پنهان‌سازی دارایی‌های نامشروع ایجاد کرده است^۱ (کاتیلانی و گانس ۲۰۲۱)

سو استفاده از صرافی‌های غیرمتمرکز (DEXs) که نظارت و احراز هویت در آنها به مراتب کمتر از صرافی‌های متمرکز صورت می‌گیرد، زمینه تبدیل و انتقال سریع مبالغ کلان ناشی از جرایم مالی را مهیا می‌کند.

ناهمگونی استانداردهای جهانی و نبود قوانین جامع در بسیاری کشورها، امکان جابه‌جایی آسان دارایی‌های غیرقانونی را از طریق مرزهای مجازی تسهیل نموده است. (اف ای تی اف، ۲۰۲۱) در مجموع، فناوری رمزارز با همه ظرفیت‌های مثبت خود در مسیر پیشگیری، بدون اعمال تدابیر حقوقی و نظارتی کافی، می‌تواند زمینه‌ساز ظهور مدل‌های پیچیده‌تری از جرایم مالی و تسهیل‌کننده اقدامات مجرمانه فراملی گردد. از این رو، تدوین سریع و کارآمد مقررات منطبق با تحولات رمزارزی، توسعه سامانه‌های نظارت بر زنجیره و تقویت همکاری‌های بین‌المللی مانند FATF، اینترپل، اتحادیه اروپا و گروه‌های ویژه پیگیری مالی دیجیتال، شرط لازم اثربخشی این فناوری در مقابله با جرایم مالی است (اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ زتسشه، ۲۰۲۰؛ لوی، ۲۰۲۱).

۳-۷- تأثیر فناوری هوش مصنوعی بر پیشگیری و مقابله با جرایم مالی

پیشرفت‌های اخیر در حوزه هوش مصنوعی انقلابی اساسی در راهبردهای پیشگیری و مقابله با جرایم مالی پدید آورده است. الگوریتم‌های پیشرفته یادگیری ماشین و تحلیل‌گرهای داده‌محور این امکان را فراهم ساخته‌اند تا حجم عظیمی از داده‌های مالی در مقیاس جهانی به صورت آنی و با دقت بسیار بالا مورد پایش و تحلیل قرار گیرد. چنین قابلیت‌هایی موجب شناسایی سریع‌تر الگوهای غیرعادی تراکنش‌ها، کشف رفتارهای مشکوک و برهم‌زدن سازوکارهای مبتنی بر جعل هویت یا پولشویی در

1 Catalini & Gans

مراحل اولیه عملیات مالی شده است. (زتشه و همکاران، ۲۰۲۳) سامانه‌های پیشرفته ضد پولشویی (AML) و احراز هویت مشتری (KYC) اکنون بر پایه هوش مصنوعی، قادرند مخاطرات را بر مبنای تحلیل پیش‌بین رفتار مالی، داده‌کاوی تراکنش‌های پیچیده و حتی تشخیص زودهنگام فعالیت‌های سازمان‌یافته طراحی کنند و تصمیمات واکنشی را به صورت خودکار اتخاذ نمایند. به علاوه، AI با قدرت هم‌افزایی با فناوری‌هایی همچون بلاکچین و رایانش ابری، امکان ردیابی دقیق حرکت وجوه، شبکه‌های حساب‌های مرتبط و شناسایی هویت‌های پنهان را ارتقاء داده و توانسته چالش‌های ناشی از حجم و پیچیدگی اطلاعات مالی را تا حد زیادی کاهش دهد (آنداک، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر، هوش مصنوعی توان عملیاتی و واکنش مدار نهادهای نظارتی و دستگاه‌های قضایی را با ارائه گزارش‌های بلادرنگ، شبیه‌سازی سناریوهای مجرمانه و حتی پیش‌بینی الگوهای نوپدید ارتقا داده است. این فناوری در کنار آنکه شفافیت و پاسخگویی را در سیستم مالی تقویت می‌کند، می‌تواند با کاهش اتکای صرف به مداخلات انسانی و افزایش ضریب شناسایی تهدیدات نوظهور مالی، ریسک بروز خسارت‌های گسترده‌تر را محدود کند. با این وجود، بکارگیری AI در این حوزه با چالش‌های مهمی همچون امکان سوگیری داده‌ای (Algorithmic Bias)، ابهام در تصمیم‌گیری خودکار، تهدیدهای حریم خصوصی، تضاد با مقررات موجود و کمبود نیروی انسانی متخصص روبروست. همچنین، پیچیدگی الگوریتم‌ها و شفاف نبودن فرایند تحلیل ماشینی می‌تواند پذیرش حقوقی نتایج و آثار اجرایی تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی را با ابهام مواجه سازد.

در نهایت، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های هوش مصنوعی برای پیشگیری و مقابله با جرایم مالی، نیازمند روزآمدسازی چارچوب‌های قانونی، تدوین استانداردهای اخلاقی و حرفه‌ای، ارتقای زیرساخت‌های فناورانه، تبادل داده میان کشورها و همکاری‌های چندنهادی است. موفقیت نهایی در این مسیر وابسته به توازن بین ابتکارات فناورانه، حفاظت از حقوق بنیادین افراد و ایجاد نظام‌های نظارت مؤثر، شفاف و پاسخگو خواهد بود (اف ای تی اف، ۲۰۲۳؛ آنداک، ۲۰۲۱؛ لوی، ۲۰۲۱).

۸- نتیجه‌گیری

تحلیل راهبردهای پیشگیرانه و واکنش مدار در مقابله با جرایم سازمان‌یافته مالی ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی در ایران به روشنی نشان داد که تحریم‌ها نه تنها ساختار مالی، اقتصادی و نظارتی کشور را متحول و آسیب‌پذیر ساخته‌اند، بلکه بستر شیوع، تنوع و پیچیدگی بی‌سابقه جرایم مالی سازمان‌یافته را نیز فراهم آورده‌اند. تضعیف شبکه رسمی مالی، گسترش اقتصاد غیررسمی و توسعه ابزارهای نوین انتقال ارزش، چالش‌های دشواری را در مسیر سیاست‌های پیشگیرانه و مقابله‌ای ایجاد

کرده است؛ به نحوی که راهکارهای صرفاً سنتی و جزیره‌ای دیگر پاسخگوی روندهای متحول‌شده و فناوری‌محور این جرایم نیستند.

در این شرایط، راهبردهای پیشگیرانه باید بر رویکردهای چندبخشی و هم‌افزا مبتنی باشند؛ از یک سو، سیاست‌های اجتماعی همچون ارتقای آموزش مالی، توانمندسازی اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر و تقویت سرمایه اجتماعی، نقشی اساسی در کاهش انگیزه و زمینه‌های وقوع جرم ایفا می‌کند. از سوی دیگر، رویکردهای موقعیت‌مدار با تأکید بر شفافیت نهادی، دیجیتال‌سازی فرایندهای مالی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین مانند فین‌تک، رمزارز و هوش مصنوعی، امکان رصد، پیشگیری و کشف زودهنگام جرایم مالی را به‌طور معناداری تقویت می‌نماید.

همزمان، راهبردهای واکنش‌مدار نیز باید با تمرکز بر کارآمدی، عدالت فرآیندی، شفافیت و همکاری نهادی و فراملی، ظرفیت دستگاه‌های قضایی و انتظامی را برای کشف، تعقیب، توقیف و بازگرداندن عواید حاصل از جرایم مالی سازمان‌یافته ارتقا دهند. تنوع ابزارهای واکنشی از مجازات‌های متناسب گرفته تا مسدودسازی حساب‌ها، بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی، و استرداد مجرمان و اموال نامشروع، تنها در سایه روزآمدسازی قوانین، شکل‌گیری سامانه‌های نظارتی یکپارچه و آموزش تخصصی نیروهای ذی‌ربط اثربخشی لازم را خواهند داشت.

در نهایت، لازم است سیاست‌گذاران و نهادهای مسئول، ضمن درس‌آموزی از تجارب بین‌المللی و ترکیب آن با سیاست‌های بومی، راهبردهای جامع و پویای مقابله با جرایم مالی را تدوین و اجرا نمایند. موفقیت این راهبردها منوط به تعامل مؤثر میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فناورانه و حقوقی و تقویت همکاری‌های فرامرزی خواهد بود. تحقق این مهم، نه‌تنها می‌تواند تاب‌آوری نظام مالی در برابر تکانه‌های ناشی از تحریم را افزایش دهد، بلکه فرآیند مقابله با جرایم سازمان‌یافته مالی و بازگرداندن سلامت، شفافیت و اعتماد عمومی به اقتصاد ملی را تسهیل می‌سازد.

منابع

۱. جعفری، حمیدرضا. (۱۳۹۷). «تحریم‌های بین‌المللی و تأثیر آنها بر گسترش جرایم مالی در ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی، ۳(۱)، ۴۷-۶۵.
۲. موسوی، سمیرا. (۱۳۹۹). «بررسی نقش فناوری‌های مالی در پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته مالی». فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، ۹(۲)، ۸۱-۹۶.
۳. نادری، آرش؛ نظری، اکبر. (۱۳۹۸). «کارآمدی سیاست‌های کیفری ایران در مقابله با پولشویی سازمان‌یافته». مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱(۴)، ۲۲۳-۲۴۸.
۴. بناء، محمدرضا، پورحیدری، امید و خدای‌پور، احمد. (۱۴۰۲). بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر سوء رفتارهای مالی در بانکهای ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ۷۳-۱۰۱.
5. Alexander, K. (2018). *Economic Sanctions: Law and Policy*. Oxford University Press.
6. Loi, M. (2020). Money Laundering and Its Regulation. THE ANNALS OF THE AMERICAN ACADEMY OF POLITICAL AND SOCIAL SCIENCE, 678(1), 7-18. <https://doi.org/10.1177/0002716220910346>
7. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2023). GLOBAL REPORT ON MONEY LAUNDERING 2023. Vienna: UNODC.
8. FATF. (2023). GUIDANCE FOR A RISK-BASED APPROACH TO VIRTUAL ASSETS AND VIRTUAL ASSET SERVICE PROVIDERS. Financial Action Task Force. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org>
9. Arnone, M., & Borlini, L. S. (2022). International Anti-Money Laundering Programs and Financial Crime. JOURNAL OF MONEY LAUNDERING CONTROL, 25(3), 459-471.
10. World Bank. (2019). PREVENTING MONEY LAUNDERING AND TERRORIST FINANCING: A PRACTICAL GUIDE FOR BANK SUPERVISORS. Washington, DC: The World Bank.
11. Bryans, D. (2014). Bitcoin and Money Laundering: Mining for an Effective Solution. INDIANA LAW JOURNAL, 89(1), 441-472.
12. Zetzsche, D. A., Buckley, R. P., Arner, D. W., & Barberis, J. N. (2020). Regulating LIBRA: The Transformative Potential of Facebook's Cryptocurrency and Possible Regulatory Responses. UNIVERSITY OF NEW SOUTH WALES LAW JOURNAL, 43(2), 984-1015.
13. Chuen, D. L. K., Guo, L., & Wang, Y. (2017). Cryptocurrency: A New Investment Opportunity? THE JOURNAL OF ALTERNATIVE INVESTMENTS, 20(3), 16-40.
14. Truby, J. (2018). Decarbonizing the Cryptocurrency Industry: Law and Policy Choices for Reducing Energy Consumption. ENERGY RESEARCH & SOCIAL SCIENCE, 44(2), 399-410.
15. Kelleher, J. D., & Tierney, B. (2018). DATA SCIENCE AND ARTIFICIAL INTELLIGENCE FOR ANTI-MONEY LAUNDERING. AI & Society, 34, 805-814.
16. Basel Institute on Governance. (2022). BASEL AML INDEX 2022: A SUMMARY OF MONEY LAUNDERING AND TERRORIST FINANCING RISKS AROUND THE WORLD. <https://baselgovernance.org/publications/basel-aml-index-2022>